

تهدیدات سیاست‌های خارجی ترکیه در قبال گروه‌های تارشگری در سوریه علیه امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران

محمد اکرمی نیا^۱

پذیرش مقاله: ۹۸/۰۷/۱۲

دریافت مقاله: ۹۸/۰۳/۰۴

چکیده

هدف این پژوهش شناخت تهدیدات سیاست‌های خارجی ترکیه در قبال گروه‌های تارشگری در سوریه علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است. و به دنبال پاسخ به این سؤال که تهدیدات سیاست‌های خارجی ترکیه در قبال گروه‌های تارشگری در سوریه علیه امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران کدام‌اند؟ تحقیق از نوع کاربردی بوده و با روش توصیفی و موردی زمینه‌ای انجام شده است. ابتدا مؤلفه‌های سیاست‌های خارجی ترکیه در قبال گروه‌های تارشگری از طریق اسناد و مدارک دست‌اول احصا شده سپس با شاخص‌سازی و طراحی پرسشنامه، سیاست‌های خارجی ترکیه مورد تأیید قرار گرفته است در ادامه تحقیق، با استفاده از اسناد و مدارک تهدیدات سیاست‌های خارجی ترکیه در قبال گروه‌های تارشگری در سوریه علیه امنیت نظامی ایران برشمرده و بررسی شده است. صاحب‌نظران مسائل منطقه و حوزه امنیت نظامی به‌عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شده‌اند که تعداد آن‌ها حدود ۲۵۰ نفر برآورد شده و حجم جامعه نمونه با استفاده از روش کوکران حدود ۵۵ نفر تعیین گردیده است. تهدیدات سیاست‌های خارجی ترکیه در قبال گروه‌های تارشگری در سوریه به‌عنوان متغیر مستقل و امنیت نظامی ایران به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده‌اند. بر اساس نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل اسناد و مدارک و پرسشنامه تحقیق، تهدیدات سیاست‌های خارجی ترکیه در قبال گروه‌های تارشگری در سوریه عبارت بوده است از: تغییر موازنه‌ی قوای منطقه‌ای به زیان ایران، ظهور و تقویت گروه‌های تارشگری ضد ایران، افزایش تهدیدات قومیتی در ایران، افزایش فرقه‌گرایی در منطقه، افزایش تهدیدات مرزی، تضعیف محور مقاومت در منطقه، شکل‌گیری الگوی منازعه در منطقه، افزایش حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در منطقه، بر امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران تأثیر منفی دارد.

واژگان کلیدی: تهدید، سیاست خارجی، ترکیه، سوریه، ایران، گروه‌های تارشگری، امنیت نظامی.

مقدمه

از دیرباز منطقه غرب آسیا یکی از مناطق بحرانی جهان و عرصه رقابت قدرت‌های بین‌المللی بوده است. در طول سال‌های اخیر با اوج‌گیری موج بیداری اسلامی در منطقه و سرنگونی برخی نظام‌های سیاسی وابسته به غرب، قدرت‌های غربی با کمک و همراهی کشورهای عرب منطقه درصدد مقابله با این موج گسترده برآمدند و با طراحی نقشه‌های متعدد از جمله ایجاد و تقویت گروه‌های تارشگری در کشورهای عراق و سوریه، تلاش کردند در بیداری اسلامی انحراف ایجاد نمایند. یکی از کشورهای مهم منطقه که مورد هدف قدرت‌های غربی قرار گرفت کشور سوریه بوده است. کشورهای غربی با همراهی و پشتیبانی برخی از کشورهای منطقه تلاش کردند با بحران‌آفرینی در سوریه علاوه بر انحراف در موج بیداری اسلامی در منطقه سوریه را از محور مقاومت جدا نمایند. در این راستا گروه‌های متعدد تکفیری و تارشگری در سوریه ایجاد و تقویت شدند و با حمایت‌های برخی کشورها بر سطح وسیعی از خاک سوریه مسلط گردیدند. به تدریج بحران حضور و فعالیت گروه‌های تارشگری به سطحی گسترده در سوریه کشیده شد و به جنگ وسیعی تبدیل گردید. گسترش گروه‌های تارشگری، منطقه را با تهدیداتی مواجه ساخته و موجب شده هر یک از کشورهای منطقه سیاست خاصی را در قبال بحران سوریه اتخاذ نمایند. با توجه به گستردگی بحران سوریه و تعدد و تکثر بازیگران در این بحران، طبیعتاً این بحران همه کشورهای منطقه را تحت تأثیر قرار داده است.

در میان بازیگران مختلف در بحران سوریه، ترکیه در قبال این بحران واکنش‌های متفاوت از خود نشان داده است. سیاست‌های خارجی ترکیه در قبال گروه‌های تارشگری در سوریه در مقاطع مختلف به اشکال متفاوت بروز و ظهور پیدا نموده است. سیاست‌های خارجی ترکیه در قبال گروه‌های تارشگری در سوریه بر مسائل منطقه از جمله امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار بوده است. در این مقاله به تهدیدات سیاست‌های خارجی ترکیه در قبال گروه‌های تروریستی در سوریه علیه امنیت نظامی ایران پرداخته شده است. هدف این مقاله شناخت چیرستی تهدیدات سیاست‌های خارجی ترکیه در قبال گروه‌های تارشگری در سوریه علیه امنیت نظامی ایران است.

سؤال تحقیق

سؤال تحقیق این است که تهدیدات سیاست‌های خارجی ترکیه در قبال گروه‌های تارشگری در سوریه علیه امنیت نظامی ایران کدام‌اند؟

فرضیه تحقیق

فرضیه مطرح‌شده این است که به نظر می‌رسد تهدیدات سیاست‌های خارجی ترکیه در قبال گروه‌های تارشگری در سوریه علیه امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران عبارت‌اند از: تغییر موازنه‌ی قوای منطقه‌ای به زیان ایران، ظهور و تقویت گروه‌های تارشگری ضد ایران، افزایش تهدیدات قومیتی در ایران، افزایش فرقه‌گرایی در منطقه و ...

تشریح و بیان مسئله

از تاریخ شروع بحران در سوریه، ترکیه به‌عنوان همسایه مهم و مؤثر این کشور سیاست‌های متفاوتی را در قبال گروه‌های تارشگری در سوریه اتخاذ کرده که طیف متفاوتی را در بر می‌گیرد. بدون تردید سیاست‌های ترکیه در قبال گروه‌های تارشگری در سوریه، امنیت کشورهای منطقه از جمله امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار داده است. چپستی تهدیدات سیاست‌های خارجی ترکیه در قبال گروه‌های تارشگری در سوریه علیه امنیت نظامی ایران، دارای ابهامات زیادی است؛ بنابراین مسئله اصلی این پژوهش مشخص نبودن تهدیدات سیاست‌های خارجی ترکیه در قبال گروه‌های تارشگری در سوریه علیه امنیت نظامی ایران است.

اهمیت و ضرورت پژوهش

انجام این تحقیق و بررسی منجر به شناسایی تهدیدات سیاست‌های خارجی ترکیه در قبال گروه‌های تارشگری در سوریه علیه امنیت نظامی ایران می‌شود؛ بنابراین دارای اهمیت است. از سوی دیگر انجام این تحقیق به شناخت سیاست‌های خارجی ترکیه در سوریه و روند و سرنوشت تحولات در سوریه و منطقه غرب آسیا کمک می‌کند، بنابراین انجام این تحقیق از این جهت نیز دارای اهمیت است. از طرف دیگر نتایج این پژوهش می‌تواند برای شناخت سیاست‌های خارجی ترکیه در قبال گروه‌های تارشگری در سوریه و تصمیم‌گیری مناسب، مورد بهره‌برداری دستگاه سیاست‌های خارجی و یا شورای عالی امنیت ملی قرار گیرد. به عبارت دیگر نتایج این پژوهش می‌تواند مسئولان و متصدیان حوزه سیاست خارجی و امنیت ملی را یاری نماید. علاوه بر این نتایج و یافته‌های این تحقیق می‌تواند مورد استفاده دانشجویان و پژوهش‌گران قرار گیرد.

عدم انجام این تحقیق و تحقیقات مشابه موجب می‌شود تهدیدات سیاست‌های خارجی ترکیه در قبال گروه‌های تارشگری در سوریه علیه امنیت نظامی ایران ناشناخته مانده و امکان مقابله با تهدیدات این سیاست‌ها برای جمهوری اسلامی ایران فراهم نمی‌شود. به عبارت دیگر عدم انجام این تحقیق موجب غافل‌گیری جمهوری اسلامی ایران در مسائل منطقه شده و آسیب‌های فراوانی را به امنیت نظامی ایران وارد می‌آورد؛ بنابراین انجام این پژوهش ضرورت دارد.

نوع، روش و رویکرد پژوهش

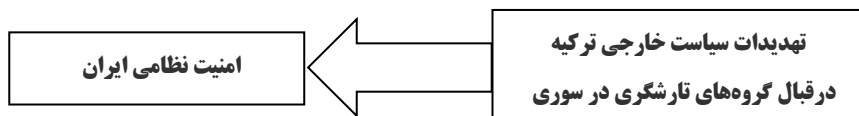
این تحقیق از نوع کاربردی است و با استفاده از روش توصیفی و موردی زمینه‌ای انجام شده است. با توجه به گردآوری داده‌های کمی و کیفی و تجزیه و تحلیل دو دسته داده‌های جمع‌آوری شده، رویکرد تحقیق آمیخته است.

جامعه آماری و جامعه نمونه

در این تحقیق صاحب‌نظران مسائل منطقه غرب آسیا و ترکیه و متخصصان حوزه امنیت نظامی در آجا و مراکز علمی و پژوهشی کشور که حداقل دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد و ۲۵ سال تجربه هستند به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شده‌اند که تعداد آن‌ها با بررسی به عمل آمده حدود ۲۵۰ نفر برآورد شده است.

حجم جامعه نمونه با استفاده از روش کوکران حدود ۵۵ نفر تعیین شده جامعه نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی انتخاب گردیده است.

متغیر مستقل تحقیق: سیاست‌های خارجی ترکیه در قبال گروه‌های تارشگری در سوریه و متغیر وابسته تحقیق، امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران است.



روش گردآوری داده‌ها

روش‌های جمع‌آوری اطلاعات عبارت بوده‌اند از میدانی و کتابخانه تخصصی. ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها اسناد و مدارک و پرسش‌نامه بوده است. ابتدا با بررسی اسناد و مدارک مربوط به چستی سیاست‌های خارجی ترکیه در قبال گروه‌های تارشگری در سوریه علیه امنیت نظامی ایران، مؤلفه‌های مربوط احصا شده و در مورد آن‌ها شاخص سازی صورت گرفته است. شاخص‌ها در

قالب پرسش‌نامه‌ای با ۳۶ سؤال (شاخص) به جامعه نمونه ارائه شده است. داده‌های مربوط به تهدیدات سیاست‌های خارجی ترکیه بر امنیت نظامی ایران نیز از طریق اسناد و مدارک گردآوری شده است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

اطلاعات گردآوری‌شده از طریق اسناد و مدارک به روش تحلیل محتوا تجزیه و تحلیل شده‌اند و داده‌های گردآوری‌شده با ابزار پرسشنامه با استفاده از آمارهای استنباطی تحلیل شده‌اند.

مبانی نظری و ادبیات تحقیق

سیاست خارجی

در گذشته سیاست خارجی، به مذاکرات بین دربار پادشاهان و سلاطین و فرستادگان دولت‌های خارجی با مقامات رسمی کشورها که معمولاً به صورت مخفیانه حل و فصل می‌شد، اطلاق می‌گردید. در دهه‌های اخیر مفهوم سیاست خارجی گستره وسیع‌تری را در بر گرفته و در عین حال پیچیده‌تر نیز شده است. برخی از صاحب‌نظران سیاست‌های خارجی را «مجموعه توانایی‌ها و قابلیت‌ها و سازوکارهای یک واحد سیاسی، جهت افزایش بهره‌وری نرم‌های مورد قبول در ارتباط با واحدهای دیگر» می‌دانند (بخشایش اردستانی، ۱۳۷۵: ۳۵). برخی دیگر سیاست خارجی را صرفاً شامل آن دسته از روابط می‌داند که ابتکار آن با حکومت‌ها بوده و از طرف آنان تصدی شده باشد (مقتدر، ۱۳۷۰: ۱۰۴). سیاست خارجی بازتاب اهداف و سیاست‌های یک دولت در صحنه روابط بین‌الملل و در ارتباط با سایر دولت‌ها، جوامع و سازمان‌های بین‌المللی، نهضت‌ها، افراد بیگانه و حوادث و اتفاقات جهانی است (محمدی، ۱۳۸۴: ۱۵) مفهوم سیاست خارجی در یک کشور، مربوط می‌شود به تدوین، اجرا و ارزیابی تصمیم‌گیری‌هایی که از دیدگاه خاص همان کشور جنبه برون‌مرزی دارد (کاظمی، ۱۳۷۲: ۴۲) برمبنای تعریف سیاست، سیاست خارجی یعنی فن و هنر (یا علم) شناخت امکانات و بهره‌برداری درست از آنها برای رسیدن به اهداف یک کشور در ارتباط با محیط خارجی (حمیدی نیا، ۱۳۸۱: ۵۳۳)

در تعاریفی دیگر آمده است: سیاست‌های خارجی یک سلسله اعمال از پیش طراحی‌شده توسط تصمیم‌گیران حکومتی است که مقصود آن دستیابی به اهدافی معین در چارچوب منافع ملی و در محیط بین‌المللی است (صفوی، ۱۳۸۷: ۳۱). سیاست‌های خارجی می‌تواند ابتکار عمل یک دولت و یا واکنش آن در قبال کنش دیگر دولت‌ها باشد (مقتدر، ۱۳۷۰: ۱۳۲) و در تعریفی دیگر

سیاست‌های خارجی عبارت است از: مجموعه خط‌مشی‌ها، تدابیر، روش‌ها و انتخاب موضوعی است که یک دولت در برخورد با سایر دولت‌ها، جوامع، سازمان‌های بین‌المللی، نهضت‌ها، افراد بیگانه و حوادث و اتفاقات جهانی اتخاذ می‌نماید (محمدی، ۱۳۸۴: ۳۲)

درمجموع با توجه به موارد ذکرشده، سیاست خارجی می‌تواند مجموعه عملکرد و روش‌های یک کشور باشد که در صحنه روابط بین‌الملل با حداکثر استفاده از مؤلفه‌های قدرت ملی بتواند یک دیپلماسی مناسب را برقرار و حداکثر منافع ملی را به همراه داشته باشد.

نظریه سازه‌انگاری و سیاست‌های خارجی ترکیه

سازه‌انگاری نظریه‌ای جدید است که در حوزه‌های مختلف روابط بین‌الملل کاربرد پیدا نموده است. سازه‌انگاری به‌عنوان یکی از رویکردهای نظریه عام انتقادی، مفروضه‌های هستی‌شناختی خردگرایی در مورد روابط بین‌الملل و سیاست خارجی را به چالش می‌طلبد و اصول و گزاره‌های متفاوت دیگری را ارائه می‌دهد. سازه‌انگاری از طریق رهیافت سیاست هویت تلاش می‌کند چگونگی نقش و تأثیر اجتماعات بین‌الذهانی مانند ناسیونالیسم، قومیت، مذهب، فرهنگ، جنسیت و نژاد در سیاست بین‌الملل و سیاست‌های خارجی را توضیح دهد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۴۶).

مطابق نظریه سازه‌انگاری، بازیگران مختلف در عرصه بین‌الملل به هنجارهای عمومی مقید و پایبندند. مکتب سازه‌انگاری رفتار بازیگران را ناشی از برداشت‌های ذهنی و هویت آنان معرفی می‌کند و هرگونه تغییر رفتار بازیگران را با هنجارهای آن بازیگران مربوط می‌کند. در تحلیل سازه‌انگارانه از سیاست خارجی، هنجارها متغیرهای مستقلی برای توضیح و تبیین رفتار بازیگران هستند. ساختارهای هنجاری بین‌الذهانی و ایده‌ها، از مفروض‌های اصلی سازه‌انگاری است که این مفروض نقش تأسیسی در شکل‌دهی هویت و منافع کشورها دارد. طبق نظریه سازه‌انگاری، کشورها بر اساس منطق نتایج رفتار نمی‌کنند بلکه اقدام آن‌ها مبتنی بر منطق تناسب است (همان، ۵۶).

سیاست خارجی عمل بر ساختن است و بنا به گفته اسمیت، سیاست خارجی آن چیزی است که دولت‌ها آن را می‌سازند (Smith, 2001: 39). الکساندر ونت این دیدگاه را نوعی ایدئالیسم ساختاری می‌داند و معتقد است ساختارهای اجتماعی محصول انگاره‌های مشترک انسانی است و بعد ساختاری آن به این معناست که نهادها و قواعد موجود دارای سرشتی عینی و محدودکننده

برای بازیگران هستند (ونت، ۱۳۸۴: ۸۰). از نظر سازه‌انگاران نقش هنجارها و هنجاری بودن در سیاست بین‌الملل از آنجا مهم تلقی می‌شود که هنجارها موجب شکل‌گیری هویت می‌شوند. هنجارها به دو روش بر رفتار کارگزاران نیز تأثیر می‌گذارند. در روش اول مانند قواعدی که هویت کارگزاران را تعیین می‌کنند و در روش دوم نقش تنظیم‌کننده در رفتارهای کارگزاران ایفا می‌کنند به عبارت دیگر هنجارها در رفتار کارگزاران تأثیرات تکوینی و تنظیمی دارند (Guzzini, 2000: 151). از آنجاکه سیاستمداران امروز ترکیه در رفتار خارجی خود در منطقه و از جمله در سوریه غالباً بر تاریخ این کشور و در چارچوب امپراتوری عثمانی تأکید می‌کنند و در واقع ترکیه به دنبال بازیابی و بازآفرینی نقش امپراتوری عثمانی در منطقه است، نظریه سازه‌نگاری چارچوب مناسبی برای تحلیل سیاست‌های خارجی ترکیه است.

تاریخچه سیاست‌های خارجی ترکیه در منطقه غرب آسیا

اصولی که در سیاست‌های خارجی ترکیه از زمان به قدرت رسیدن اردوغان به منصفی ظهور رسیده عبارت‌اند از

- ۱- ایجاد تعامل بین آزادی و امنیت به این معنی که هیچ‌کدام از این دو مورد را نمی‌توان به بهانه‌ی تأمین دیگری سرکوب کرد.
 - ۲- گسترش رابطه با همسایگان و به صفر رساندن مشکلات با آن‌ها یعنی تبدیل دشمنان بالقوه‌ی همسایه به دوست و متحد.
 - ۳- دیپلماسی پیشگیرانه و فعال که هدفش این است که ترکیه را با توجه به جایگاهش در مناطق مختلف به بازیگری فعال تبدیل کند.
 - ۴- داشتن رابطه با قدرت‌های بزرگ به صورت متوازن.
 - ۵- حضور بیش‌تر و پررنگ‌تر در نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای مثل سازمان ملل و ارکان وابسته، ناتو، جی ۲۰ و دی ۸، اکو ۳ و سازمان همکاری‌های دریای سیاه. (اطهری، ۱۳۹۰)
- از اصول اساسی در سیاست‌های خارجی حزب عدالت و توسعه، سیاست کاهش تنش با همسایه- هاست که برخی آن را واکنشی به مخالفت‌های پیاپی اتحادیه اروپا برای عضویت ترکیه می‌دانند

-
1. group 20
 2. development 8
 3. Economic coorporations organization(eco)

این سیاست ترکیه، غرب آسیا و دنیای عرب را در رأس و اولویت سیاست‌های خارجی ترکیه قرار داده است (احمدیان، ۱۳۹۰)

داود اوغلو وزیر امور خارجه و نخست‌وزیر سابق ترکیه که نظریه‌پرداز نو عثمانی‌گرایی محسوب می‌شد قائل به نقش جدی برای ترکیه در منطقه بود. این تفکر یادآور امپراتوری عثمانی است که شامل بخش‌هایی از غرب آسیا، بالکان و قسمت‌هایی از اروپای مرکزی بود. این تأکید بر میراث عثمانی که نوع‌عثمانی‌گرایی در سیاست‌های خارجی ترکیه نامیده می‌شود در واقع تلاشی است برای تعدیل کمالیسم در راستای منافع ملی ترکیه، بر این مبنا ترکیه باید دامنه‌ی نفوذ خود را در مناطقی که در روزگاری بخشی از امپراتوری عثمانی بوده‌اند افزایش دهد. نوع‌عثمانی‌گرایی را می‌توان قرار گرفتن بعد ژئوکالچری در کنار ژئوپلیتیک در سیاست‌های خارجی ترکیه دانست (اسمعیلی، ۱۳۹۰) نگاه غرورآمیز سیاست‌مداران ترکیه به گذشته‌ی عثمانی ایفای نقش این کشور در عرصه‌ی بین‌المللی را پیچیده و چندبعدی کرده است (وفایی، ۱۳۹۰: ۲۹). داوود اوغلو وزیر خارجه و نخست‌وزیر سابق در جمع دیپلمات‌های ترکیه‌ای اعلام کرد که ترکیه در سال ۲۰۲۳ یعنی در یک-صدمین سال ترکیه‌ی جدید باید به یکی از ۱۰ قدرت برتر دنیا تبدیل شود. ترکیه در حال حاضر پنجمین اقتصاد اروپا و شانزدهمین اقتصاد جهان است (امیدی و رضایی، ۱۳۹۰: ۲۶۰-۲۵۹)

تنش‌زدایی و صفر کردن مشکلات با همسایگان مبتنی بر گسترش همکاری‌های اقتصادی، فرهنگی و تجاری بوده است. در این مقطع شعارهایی چون امنیت برای همه، دموکراسی برای همه، کثرت-گرایی فرهنگی و تعامل اقتصادی به‌طور برجسته‌ای وارد سیاست‌های خارجی ترکیه شده است. سیاست کاهش تنش‌های ترکیه نباید به دنبال کسب منزلت هژمونیک در منطقه باشد چون فاقد چنین قدرتی است و ترکیه باید به ایجاد ثبات در مناطق پیرامونی خود باشد ترکیه به دلیل هویت چندگانه باید اولویت را به هویت بدهد و درک ژئوپلیتیک ترکیه باید تابع هویت ملی ترکیه باشد (چگینی‌زاده و خوش‌اندام، ۱۳۸۹: ۱۹۵). اردوغان می‌خواهد پرستیژ ترکیه را در غرب آسیا بالا ببرد و ترکیه را به‌عنوان یک مدعی در کنار بازیگران سنتی منطقه چون ایران و عربستان مطرح کند؛ اردوغان می‌خواهد از اوضاع به‌هم‌ریخته‌ی غرب آسیا نهایت استفاده را ببرد (Spanner, 2011: 1) با جابجایی نخبگان و روی کار آمدن اسلام‌گرایان رشد اقتصادی و پویایی در سیاست‌های خارجی به وجود آمده است، درواقع مردم پشت سر سیاست‌های خارجی ترکیه نقش بازی می‌کنند (turkish, wakly, 2011: 5-6).

حزب عدالت و توسعه می‌خواهد ترکیه را از یک کشور حاشیه‌ای در نظام بین‌الملل به بازیگری مصمم و مؤثر مانند دوران عثمانی تبدیل کند زمانی که این امپراتوری در اوج قدرت بود ترکیه با ایجاد و ائتلاف با اعراب و ترک‌های آسیای مرکزی به دنبال ایفای نقش فعال‌تر و بزرگ‌تری در حوزه‌های سابق امپراتوری عثمانی است (واکر، ۱۳۹۰: ۳۵) در مجموع باید گفت که سیاست خارجی ترکیه چندین دهه وابستگی شدیدی به غرب داشت و در فضای راهبردی غرب تعریف می‌شد. این کشور عملاً هیچ‌گونه ابتکار عملی در حوزه شرقی و به‌ویژه منطقه غرب آسیا نداشت؛ تا جایی که هویت منطقه‌ای ترکیه با چالشی اساسی مواجه شده بود. با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، سیاست خارجی این کشور از سیاستی غرب‌گرا و تک‌بعدی، به سیاستی چندجانبه‌گرا و چندبعدی تبدیل شد.

نظریه‌پرداز و معمار این رویکرد احمد داوود اوغلو نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه سابق دولت اردوغان که به علت اختلاف با اردوغان از مقام نخست‌وزیری استعفا داد است که در سال ۲۰۰۱ در کتاب «عمق استراتژیک» طراحی کرده بود. این کتاب که در واقع، بیانیه حزب حاکم در عرصه سیاست خارجی است، بر مبنای چند نظریه تألیف شده است که به صورت خلاصه به آن‌ها اشاره می‌شود (یزدان‌پناه و نامداری، ۱۳۹۲، ۱۰۲).

الف) مبنای قدرت ترکیه، تاریخ و جغرافیای این کشور است. به‌عبارت‌دیگر، اگر ترکیه در قرن بیست‌ویکم قصد دارد قدرت و جایگاه منطقه‌ای و جهانی خود را افزایش دهد، باید به تاریخ و جغرافیای خود به‌عنوان منبع قدرت و نقطه شروع حرکت خود نگاه کند. در واقع، نظریه عمق راهبردی، راهنمای استفاده از این منابع قدرت و به فعلیت درآوردن آن‌ها در چارچوبی منطقی است.

ب) نظریه عمق راهبردی بر خوداتکایی، اعتمادبه‌نفس و خودداری از قرار گرفتن زیر چتر دیگر کشورها تأکید دارد.

ج) بر پایه این نظریه، ترکیه ضمن حفظ روابط خود با غرب، نگاهی ویژه به شرق خواهد داشت. با توجه به اینکه این نظریه بر توجه بیشتر به تاریخ و جغرافیا استوار است، به افزایش روابط با آسیا و گسترش قدرت و نفوذ در این منطقه از جهان به‌عنوان پیش‌زمینه قدرت‌یابی در اروپا تأکید دارد؛ زیرا ترک‌ها از لحاظ ریشه‌های تاریخی بیشتر آسیایی به شمار می‌روند و هنوز پیوندهای زیادی با چند کشور این منطقه در آسیای مرکزی دارند.

د) یکی از نکات مورد توجه در نظریه عمق راهبردی، به حداقل رساندن یا به عبارت بهتر، به صفر رساندن مشکلات ترکیه با همسایگان است. به همین دلیل، ترکیه به بحران‌های محیط پیرامون به چشم فرصت نه تهدید می‌نگرد. بر همین مبنا، بحران‌های محیط پیرامون فرصت‌هایی هستند که دولت ترکیه می‌تواند از آن‌ها نهایت بهره‌برداری را داشته باشد. البته بحث به صفر رساندن مشکلات با همسایگان از سال ۲۰۱۰ به نظریه مدیریت منازعات پیرامونی ترکیه برمی‌گردد؛ یعنی اگر سیاست‌های خارجی ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه را به سه مرحله تقسیم کنیم، می‌توان گفت از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ دوره سامان اقتصادی و سیاسی درون ترکیه بود و سیاست خارجی هم بر این مبنا شکل گرفت. از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰ سیاست به صفر رساندن مشکلات با همسایگان دنبال شد؛ ولی از ۲۰۱۱ به بعد ترک‌ها تداوم سیاست دوره دوم را به مدت طولانی کافی ندانستند و در مرحله سوم، ورود به منازعات منطقه‌ای و تلاش برای مدیریت آن را در کانون توجه سیاست خارجی خود قرار دادند که دخالت در سوریه و عراق از ویژگی‌های این دوره است.

ابراهیم کالین، رئیس پیشین مرکز مطالعاتی سینا و مشاور ارشد رجب طیب اردوغان، معتقد است «پسامدرنیسم ترکیه ظاهراً در گذشته دولت عثمانی این کشور قالب‌بندی شده است.» به‌رحال، سیاست‌گذاران ترک تلاش می‌کنند الگویی از مناسبات منطقه‌ای را تدوین و عملیاتی کنند که اولاً نقش موازنه‌گرا در منطقه داشته باشند و ثانیاً در سطح کلان هم بتوانند گفتمان و منافع مسلمانان را در دنیای غرب و منافع غرب و مسیحیان را در دنیای شرق و اسلامی مدیریت کنند (رنجبر ۱۳۹۵: ۱۰۸).

سیاست‌های ترکیه نسبت به غرب آسیا پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه شاهد یک پویایی جدید بوده است. پس از سال‌ها انفعال و غفلت این کشور، ترکیه به‌عنوان یک بازیگر مهم در منطقه ظاهر شد. بر این اساس آنکارا رهیافت فعالانه‌تری را نسبت به تحولات منطقه اتخاذ کرده است. برای شرکت در مأموریت ناتو اقدام به اعزام نیرو به افغانستان کرد، در نیروهای سازمان ملل در لبنان مشارکت کرد، در سازمان همکاری‌های اسلامی فعال‌تر شده، در اجلاس‌های مختلف اتحادیه عرب حضور به هم رسانده و روابط نزدیک‌تری را با ایران، عراق و سوریه برقرار کرده و روابط اقتصادی، سیاسی و دیپلماتیک با دولت‌های عربی و مسلمان را بهبود بخشید (Taspinar, 2008: 2).

سیاست‌های خارجی ترکیه در قبال گروه‌های تارشگری در سوریه

ترکیه برای سال‌های متمادی روابط شکننده و غیرقابل اطمینانی با سوریه داشته است. ترکیه از قدیم با سوریه بر سر سه موضوع اختلاف داشته است: ۱- مسئله‌ی استان اسکندرون یا هاتای ترکیه که سوریه آن را بخشی از خاک خود می‌داند. استان اسکندرون سوریه در سال ۱۹۳۹ توسط استعمارگران فرانسوی از این کشور جدا شد و در اختیار دولت وقت ترکیه قرار گرفت اما سوریه همچنان این استان را بخشی از خاک خود می‌داند. ۲- مسئله‌ی آب فرات و سدهایی که ترکیه در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ بر روی آن زده است. ۳- پناه دادن سوریه به حزب کارگران کردستان^۱ و پایگاه نظامی در اختیار آن‌ها قرار دادن، ترکیه همواره سوریه را به دلیل حمایت از حزب کارگران کردستان تهدید به قطع آب فرات می‌کرد (وفایی، ۱۳۹۰: ۲۶).

ترکیه بارها در حین بحران سوریه مواضع متناقضی در پیش گرفته و بارها موضعش را نسبت به رفتن و ماندن اسد همسو با اعراب و غرب تغییر داده است. در ادامه ضمن بررسی سیاست بی-طرفی و میانجی‌گری و حمایت از گروه‌های تارشگری در سوریه آثار و نتایج این سیاست بر امنیت نظامی ایران مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۱. سیاست بی‌طرفی ترکیه در بحران سوریه

همچنان که اشاره شد برخی از اصولی که در سیاست‌های خارجی ترکیه از زمان به قدرت رسیدن اردوغان به منصفی ظهور رسیده عبارت‌اند از گسترش رابطه با همسایگان و به صفر رساندن مشکلات با آن‌ها یعنی تبدیل دشمنان بالقوه‌ی همسایه به دوست و متحد، دیپلماسی پیشگیرانه و فعال که هدفش این است که ترکیه را با توجه به جایگاهش در مناطق مختلف به بازیگری فعال تبدیل کند و حضور بیش‌تر و پررنگ‌تر در نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای. از این رو یکی از وجوه بارز سیاست‌های خارجی حزب عدالت و توسعه، سیاست کاهش تنش با همسایه‌هاست (احمدیان، ۱۳۹۰).

در این راستا موضوع نوع‌ثمنی‌گرایی مطرح شده است. نوع‌ثمنی‌گرایی دارای مؤلفه‌های زیر است: ۱- ایفای نقش ترکیه متناسب با تاریخ فرهنگ و جغرافیای این کشور در عرصه‌ی بین‌الملل، افزایش سرمایه‌گذاری ترکیه در حوزه قدرت نرم.

۱. حزب کارگران کردستان ترکیه

۲- مطرح کردن نهادهای ترکیه به عنوان الگو برای منطقه، ایفای نقش فعال تر در بحران‌های منطقه و بین‌المللی برای ترکیه، افزایش همکاری با کشورهای منطقه برای کاهش دخالت خارجی و این که ترکیه باید جایگزین کند تلاش‌هایش را به جای عضویت در اتحادیه‌ی اروپا بر روی کشورهای سابق حوزه‌ی عثمانی و برای رسیدن به این اهداف باید عملیاتی کند سیاست کاهش تنش با همسایگان را و به جهان اسلام به اندازه‌ی غرب اهمیت بدهد (امیدی و رضایی، ۱۳۹۰: ۲۴۰).

روابط ترکیه با سوریه از سال ۱۳۹۲ رو به بهبود گذاشت و تنش‌ها بر سر فرات و ادعاهای ترکیه مبنی بر حمایت سوریه از پ.ک.ک.۱ نیز کاهش یافت. در این سال دو کشور قرارداد امنیتی امضاء کردند و سوریه اعلام کرد که به مخالفان کرد دولت ترکیه اجازه‌ی فعالیت در این کشور را نمی‌دهد. شرکت وزرای خارجه‌ی دو کشور در اجلاس وزرای خارجه‌ی سه کشور ایران، ترکیه و سوریه در سال ۱۳۹۳ نیز نشانی از بهبود روابط بین دو کشور بود (انصاری، ۱۳۷۴: ۳۶۷). البته اتمام حجت ترکیه در خصوص پناهندگی دادن سوریه به عبدالله اوجلان رهبر کردهای ترکیه و ضعف نظامی سوریه در مقابل ترکیه در بهبود تدریجی روابط بی‌تأثیر نبود. (چگینی‌زاده و خوش‌اندام، ۱۳۸۹: ۲۰۶).

در ژانویه سال ۲۰۰۵ بشار اسد به ترکیه سفر کرد که اولین سفر از زمان استقلال سوریه بود. این سفر جای هیچ تردیدی باقی نگذاشت که روابط کشور از تنش به همکاری رسیده است؛ البته در این برهه سوریه سعی می‌کرد با نزدیکی به ترکیه از میزان فشارهای آمریکا نسبت به خود بکاهد (همان). وزرای خارجه ترکیه بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ (حزب عدالت و توسعه) بیش از ۶۰ بار از سوریه دیدن کردند و تجارت بین دو کشور از ۷۷۳ میلیون دلار به ۲/۵ میلیارد دلار رسید. دو کشور همچنین در سال ۲۰۰۹ مانور نظامی مشترک برگزار کردند (Stuart, 2011: 15). با رسیدن ناآرامی‌ها به برخی مناطق سوریه واکنش اولیه‌ی ترکیه سکوت بود این سکوت ترکیه تا اوت ۲۰۱۱ ادامه داشت از این تاریخ به بعد ترکیه گفت‌وگو و فشار را به صورت هم‌زمان با اسد دنبال کرد و سعی کرد که سوریه را به اصلاحات ترغیب کند در این زمان غربی‌ها خواستار کناره‌گیری فوری اسد بودند (ibid: 2-3).

با توجه به اتخاذ سیاست سکوت از جانب ترکیه در بحران سوریه و عدم موضع‌گیری در قبال تحولات این کشور، می‌توان سیاست کلی ترکیه در قبال بحران سوریه را در ابتدا سیاست بی‌طرفی

دانست. در واقع ترکیه در قبال فعالیت‌های گروه‌های تارشگری در سوریه هیچ اقدامی که به نفع یا زیان آنان باشد انجام نداد؛ اما این سیاست دوام چندانی نداشت و به موازات تشدید روند تحولات در سوریه و موضع‌گیری کشورهای مختلف در قبال این بحران و ورود بازیگران مختلف به صحنه سوریه، سیاست بی‌طرفی ترکیه نیز دچار تغییر شد.

۲. سیاست میانجی‌گری ترکیه در قبال بحران سوریه

به دنبال بروز گسترش فعالیت‌های گروه‌های تروریستی در سوریه که ترکیه نتوانست در قبال تحولات همسایه خود بی‌تفاوت باشد، زیرا از یک‌طرف این تحولات با نوع‌ثانی‌گرایی جدید رهبران ترک در تعارض بود و از طرفی مسئله سوریه می‌توانست چالش‌هایی در برابر منافع ملی ترکیه از نظر اقتصادی، سیاسی و امنیتی ایجاد کند. یکی از اهداف منطقه‌ای اصلی ترکیه در چهارچوب نوع‌ثانی‌گرایی در به حداقل رساندن مشکلات در روابط با همسایگان به‌منظور گسترش مناسبات به‌ویژه در حوزه اقتصادی و عهده‌دار شدن بازیگر تأثیرگذار در تحولات منطقه-ای بود، بنابراین ناآرامی‌های سوریه در تعارض با این سیاست ترکیه قرار داشت. علت تردیدهای اولیه‌ی ترکیه در مورد اسد را می‌توان در این دانست که دولت اسد یکی از پایه‌های عملی کردن سیاست صفر کردن مشکلات با همسایگان بود و یکی از پایه‌های همگرایی منطقه‌ای ترکیه بود و اسد و اردوغان دوستان نزدیکی محسوب می‌شدند (champion, 2011).

ترکیه به تدریج در مورد سوریه نیز مثل لیبی تغییر موضع داد و از واکنش اولیه‌اش در مخالفت با تحریم‌ها علیه دولت اسد اظهار پشیمانی کرد و گفت‌وگو با گروه‌های مخالف به‌ویژه اخوان-المسلمین سوریه را در صدر برنامه‌هایش قرار داد. حزب عدالت و توسعه سعی می‌کرد که رهبری حرکت ضد اسد در سوریه به دست اخوان‌المسلمین بیفتد چراکه این گروه دارای دیدگاه‌های نزدیک با حزب عدالت و توسعه است (stuart, 2001: 3). ترکیه یک‌بار دیگر در درگیری بین حافظ اسد و مخالفانش در شهر حما جانب مخالفان رژیم سوریه را گرفته بود، البته این حرکت در اوج تنش‌ها بین دو کشور صورت گرفته بود (وفایی ۱۳۹۰: ۲۶). ترکیه اوایل فعالیت گروه‌های تروریستی در سوریه محتاطانه می‌خواست که با اصلاحات در سوریه مانع حذف اسد شود، زیرا بی‌ثباتی در سوریه کل منطقه و به‌ویژه کردهای ترکیه را متأثر خواهد کرد (امیدی و رضایی، ۱۳۹۰: ۲۵۱). ترکیه در عین حمایت از مخالفان اسد بر گفت‌وگو بین طرفین تأکید می‌کرد و از افسران جداشده از ارتش سوریه می‌خواست که به دولت اسد برگردند (stuart, 2011: 3). ولی به‌مرور

ترکیه تحریم‌ها را علیه سوریه وضع کرد و چتر حمایتی خود را از شورای ملی که در استانبول با اجازه رسمی دولت ترکیه فعالیت می‌کرد گسترش داد (spanner, 2011: 31).

احمد داوود اوغلو وزیر خارجه‌ی و نخست‌وزیر سابق ترکیه بشار اسد را متهم به دروغ‌گویی به جامعه‌ی جهانی کرد و از او خواست که فرصت‌ها را برای گفت‌وگو با مخالفان از دست ندهد و سخت‌گیری علیه مخالفان را کنار بگذارد، اوغلو یک دیدار ۶ ساعته با مخالفان اسد داشت و اعلام کرد که اسد باید با اصلاحات در قانون اساسی از حزب بعث تقدس زدایی کند در غیر این صورت وی آخرین فرصت‌ها را نیز از دست می‌دهد. این حرکات ترکیه و تحریک مخالفان اسد این تفکر را ایجاد کرد که ترکیه در سوریه به دنبال احیای عثمانی‌گرایی است. اخوان‌المسلمین سوریه در آن برهه (سال ۲۰۱۱) اعلام کرد که ترکیه باید در سوریه مداخله‌ی نظامی کند این خواسته‌ی اخوان با مستقر شدن ارتش ترکیه در مرز سوریه جنبه‌ی عملی به خود گرفت (bbcPersian.com2011/9/26).

۳. حمایت ترکیه از گروه‌های تارشگری در سوریه

ترکیه به تدریج سیاست کاهش تنش در مورد سوریه را کنار گذاشت (champion, 2011). به چند دلیل آنچه در سوریه می‌گذرد برای ترکیه مهم است.

۱. موقعیت ژئوپلیتیک سوریه.
 ۲. جمعیت کرد سوریه و همگرایی آن‌ها با کردهای ترکیه.
 ۳. تأثیری که کشمکش در سوریه می‌تواند بر روابط ترکیه با ایران، رژیم صهیونیستی و لبنان داشته باشد. مسئله‌ی موازنه‌ی قدرت منطقه‌ای نیز برای ترکیه مهم است (حافظیان ۱۳۹۰: ۲۱-۲۰).
- با ادامه درگیری‌ها در سوریه، آنکارا به حمایت علنی از مخالفان دولت دمشق پرداخت. در نوامبر ۲۰۱۱ اردوغان نخستین رهبر سیاسی بود که از اسد درخواست کناره‌گیری از قدرت را نمود. همچنین به شورای ملی سوریه اجازه داد تا در استامبول مستقر شوند. ارتش آزاد سوریه و دیگر گروه‌های مسلح مخالف اسد از قلمروی ترکیه برای عملیات‌های خود استفاده نموده و بر اساس مدارک موجود، کمک‌های نظامی ترکیه را دریافت کردند. در اوایل سال ۲۰۱۴ ترکیه میزبان بیش از ۶۰۰ هزار پناهنده سوری بود (Gause, 2014,20). البته مقامات ایرانی از همان اوایل شکل‌گیری اردوگاه‌های آوارگان در مرز ترکیه و سوریه را تردیدآمیز دانسته و آن را پوششی برای حمایت از مخالفان و قاچاق اسلحه برای معترضان در سوریه تلقی کردند (Mahfudh, 2012:39).

با اینکه سوریه دارای اهمیت اساسی برای این کشور بود ولی برخورد ترکیه با دولت اسد حتی شدیدتر از سایر کشورها بود. ترکیه در سال‌های بعد از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه با افزایش مبادلات با دولت سوریه طی یک دهه توانسته بود به واسطه‌ی همگرایی اقتصادی شرایط صلح بین دو کشور را فراهم کند (Barkey, 2011: 3). حامد حسن سفیر سوریه در تهران موضع-گیری ترکیه علیه کشورش را کاملاً غافلگیرانه دانست و افزود که ترکیه از فاز به صفر کردن تنش-ها با همسایگان به فاز ایجاد مشکل با کشورهای همسایه تغییر موضع داده است. او ترکیه را عامل اصلی تأمین اسلحه‌ی قاچاق برای مخالفان دولت اسد معرفی کرد. وی معتقد بود موضع ترکیه در قبال سوریه به عضویت این کشور در اتحادیه اروپا و معرفی خود به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای به این اتحادیه ارتباط دارد ترکیه در این راستا تلاش نمود جایگزین بازیگران سنتی منطقه مثل ایران، عربستان، مصر و عراق شود که هرکدام مشکلات خود را دارند (همشهری دیپلماتیک ۱۳۹۰: ۴۳).

به لحاظ مواضع اعمالی، مهم‌ترین اقدام دولت ترکیه، میزبانی سه نشست گروه‌های مخالف دولت بشار اسد بوده است. این اقدام، نشانه آشکاری از سیاست غیردوستانه دولت ترکیه نسبت به همسایه خود بود. دولت ترکیه در آن برهه زمانی در عین اتخاذ مواضع انتقادی نسبت به دولت سوریه، تماس‌ها با این دولت را کماکان در دستور کار قرار می‌داد. اردوغان و بشار اسد روزانه با یکدیگر در تماس تلفنی بوده و احمد داود اوغلو نیز با ولید المعلم همتای سوری خود ارتباط تلفنی داشته‌اند (Duman, 2011). دولت رجب طیب اردوغان به تدریج رویکرد تندی را نسبت به تحولات داخلی سوریه در پیش گرفت و در واقع می‌توان گفت در مقایسه با تحولات انقلابی سایر کشورهای عربی، دولت ترکیه دشمنی صریح خود را با دولت بشار اسد اعلام کرد و از گروه‌های تارشگری حمایت به عمل آورد.

حمایت ترکیه از گروه‌های تارشگری در سوریه با شیوه‌ها و روش‌های زیر صورت گرفته است:

- ۱- فروش نفت خام از طریق شهرهای باتمان و غازی عنتب واقع در منطقه جنوب شرقی ترکیه و شمال شرق سوریه که درآمدی بالغ بر یک میلیون دلار در روز برای گروه‌های تارشگری ایجاد کرد.
- ۲- فروش آثار باستانی سوریه از طریق خاک ترکیه که تاکنون ۷ میلیارد دلار درآمد ایجاد کرد.
- ۳- فروش اعضای بدن تروریست‌های کشته‌شده، مردم و مخالفان به تجار اروپایی از طریق ترکیه.

- ۴- انجام معاملات سنگین در مقابل آزادی گروگان‌ها و اسیران در خاک ترکیه.
- ۵- فروش زنان غیرمسلمان در این کشور.
- ۶- مرکزیت فروش کتب خطی و قدیمی به سرقت رفته از سوریه و عراق.
- ۷- فروش اطلاعات به‌دست‌آمده از سوریه و عراق به سرویس‌های اطلاعاتی در این کشور.
- ۸- کمک مالی و لجستیکی به داعش توسط سرویس اطلاعاتی ترکیه در زمان اشغال کوبانی.
- ۹- کمک توسط مؤسسات به‌ظاهر غیردولتی و خیریه وابسته به حزب عدالت و توسعه ترکیه که شاخص بوده و نکته حائز اهمیت این است که انبارها و دفاتر این مؤسسه در استان هاتای ترکیه بدون پنهان‌کاری فعالیت می‌کردند.
- ۱۰- کسب درآمد سالانه حدود یک میلیارد دلار توسط گروه تارشگری داعش از ترانزیت هروئین طبق اعلام «ویکتور ایوانف» رئیس سازمان کنترل مواد مخدر فدرال روسیه (کاپا، ۱۳۹۴).

سیاست‌های خارجی ترکیه در قبال گروه‌های تارشگری در سوریه علیه امنیت نظامی ایران

سیاست بی‌طرفی و میانجی‌گری در مدت‌زمان کوتاهی در دستور کار ترکیه در قبال بحران سوریه قرار داشتند؛ این سیاست‌ها به دلیل کوتاه بودن نتوانستند تأثیری در سوریه و منطقه غرب آسیا از جمله امنیت نظامی بگذارند؛ اما سیاست حمایت و پشتیبانی ترکیه از گروه‌های تارشگری در سوریه بیشترین آثار را بر منطقه و امنیت نظامی ایران گذاشته است. تهدیدات سیاست‌های خارجی ترکیه در قبال گروه‌های تارشگری در سوریه علیه امنیت نظامی ایران در زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. تغییر موازنه‌ی قوای منطقه‌ای به زیان ایران

مهم‌ترین تأثیر بحران سوریه و تداوم آن به‌واسطه حمایت و پشتیبانی ترکیه از گروه‌های تارشگری و ایجاد تهدیدات علیه امنیت نظامی ایران، وضعیتی است که در محیط امنیتی منطقه شکل گرفته است. سوریه به‌عنوان تنها متحد راهبردی ایران نقش مهمی برای برقراری موازنه قوای منطقه‌ای بازی نموده است. در واقع این کشور نقطه‌ی اتکایی برای اثرگذاری سیاست‌های خارجی و امنیتی ایران در منطقه بوده است. هرگونه تغییر یا تضعیف دولت در سوریه باعث برهم خوردن توازن امنیتی به زیان ایران خواهد شد، چراکه روند تغییر در ساختار قدرت سوریه باعث تغییر در صف‌بندی میان کشورها می‌شود و این صف‌بندی و آرایش جدید بازیگران منطقه باعث حضور فراگیر

بازیگران فرا منطقه‌ای شده و در نتیجه تبعات بین‌المللی به همراه خواهد داشت (سیمبر و قاسمیان، ۱۳۹۳: ۱۵۱). با آمدن مخالفین در قدرت در سوریه، حکومت جدید سوریه حمایت خود از ایران را قطع خواهد نمود. مقامات آمریکایی نیز با آگاهی از این موضوع به دنبال تغییر رژیم در سوریه بوده‌اند. در صورت تحقق این وضعیت موازنه‌ی قوای منطقه‌ای ایران علیه آمریکا و متحدینش در منطقه به زیان ایران تغییر خواهد کرد (نیاکوئی، ۱۳۹۲: ۱۳۱).

اما بازیگران رقیب ایران در منطقه غرب آسیا نیز به دنبال دستیابی به اهداف موردنظر خود بوده‌اند. به همین دلیل جنگ نیابتی^۱ شامل بازیگران منطقه‌ای در سوریه به وجود آمد. ترکیه، عربستان سعودی و دیگر دولت‌های عربی خلیج فارس تلاش کردند تا نفوذ منطقه‌ای ایران را در منطقه از طریق حمایت مالی و پشتیبانی از مخالفان سوری کاهش دهند. از این رو ایران وضعیت شکل گرفته در سوریه را به‌عنوان بازی با حاصل جمع جبری صفر تلقی کرد و بیمناک از این موضوع بود که سقوط اسد زمینه را برای ظهور رژیم جدید و نظم منطقه‌ای نامطلوب برای ایران آماده خواهد کرد. در واقع ایران به این مسئله پی برد که نه تنها یک متحد عربی بااهمیت را از دست خواهد داد، بلکه توانایی این کشور در حمایت از حزب‌الله و نفوذ این کشور در لبنان و موضوع منازعه اعراب - رژیم صهیونیستی نیز محدود خواهد شد (Goodarzi, 2013:27). بنابراین سیاست‌های خارجی ترکیه در قبال گروه‌های تارشگری در سوریه تغییردهنده موازنه قوای منطقه‌ای است که به تهدیدی علیه امنیت نظامی ایران است.

۲. ظهور و تقویت گروه‌های تارشگری ضد ایران در منطقه غرب آسیا

ظهور و قدرت گیری گروه‌های شبه‌دولتی سنی در عراق و سوریه از دیگر عوامل تهدید زایی است که تأثیری مستقیم بر امنیت نظامی ایران دارد. بی‌شک زمانی که دولتی ضعیف می‌شود، بازیگران غیردولتی تلاش می‌کنند تا نقش عمده‌تری در سیاست داخلی آن کشور بر عهده بگیرند. این پدیده‌ای است که اکنون در فضای غرب آسیا و به‌ویژه در سوریه شکل گرفته است. این گروه‌ها معمولاً متحدان دولت‌های منطقه به‌ویژه عربستان و قطر هستند که به دنبال گسترش نفوذ خود می‌باشند؛ اما در عین حال هریک برنامه‌ها و اهداف ویژه خود را دارند (Gause, 2014: 19). در این میان داعش و جبهه النصره تهدیدات فزاینده‌ای در سطح منطقه‌ای برای ایران به بار آورده‌اند (Lister, 2014:6) ایران به تضمین امنیت متحدان خود در عراق، سوریه و لبنان در برابر تهدیدات

آمریکا، رژیم صهیونیستی و عربستان نیازمند است؛ در واقع دسترسی ایران به سوریه که به واسطه حضور گروه‌های تارشرگی در این کشور تضعیف شده و می‌تواند منجر به قطع مجاری ارتباط ایران با حزب الله به عنوان متحد ایران در برابر رژیم صهیونیستی شود.

۳. افزایش تهدیدات قومیتی در ایران:

حمایت و پشتیبانی ترکیه از گروه‌های تارشرگی در سوریه زمینه گسترش فعالیت‌های تجزیه‌طلبی در سوریه، عراق و سایر مناطق را تقویت کرده است. افزایش فعالیت گروه‌های جدایی طلب در سوریه اقلیت‌های قومی در منطقه از جمله در ایران را تشویق به مطالبات بیشتر برای خودمختاری کرده است. اعلام استقلال منطقه کردستان عراق در پی رفراندوم سوم مهرماه سال ۱۳۹۶ در همین راستا قرار دارد. به علاوه از منظر فرقه‌گرایانه تشدید مداوم خشونت توسط داعش و النصره در عراق و سوریه نشانه خوبی برای ایران و متحدان شیعی این کشور در منطقه‌ای که اعراب سنی در آن اکثریت هستند نمی‌باشد (Geranmayeh, 2014: 30).

۴. افزایش فرقه‌گرایی در منطقه غرب آسیا

فهم الگوی جدید توازن قدرت منطقه‌ای نیازمند بررسی چارچوب‌های فرقه‌گرایانه است. در واقع مناقشه‌ی کنونی در سوریه و عراق بر پایه‌ی پیکار سنی علیه شیعه استوار است. خروجی رسانه‌ها و پایگاه‌های اینترنتی سنی و روزنامه‌ها و تلویزیون‌های وابسته به فرقه‌گرایان این منازعه را برجسته می‌سازد. خیلی ساده می‌توان اقدامات برخی از کشورها در منطقه را فرقه‌گرایانه تحلیل کرد (Gause, 2014, 19).

رویکرد فرقه‌گرایانه بازیگران منطقه‌ای، در سوریه به مراتب بیشتر از کشورهای دیگر بوده است. ترکیه با حمایت از گروه‌های تارشرگی در سوریه تلاش کرد تا موقعیت خود در این کشور و منطقه را بهبود بخشد. بدین ترتیب این کشور حمایت‌های مالی و لجستیکی خود از گروه‌های سلفی را تا آنجا ادامه داد که فرقه‌گرایی و از کینه‌های اختلافات بین شیعه و سنی تشدید شد. بسیاری از گروه‌های تارشرگی در سوریه که مورد حمایت ترکیه بوده‌اند با تبلیغ علیه ایران و مذهب شیعه دست به خشونت‌های گسترده‌ای علیه شیعیان زدند و از آنجاکه دولت قانونی سوریه مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران قرار داشته، جنگ تروریست‌ها با دولت سوریه به عنوان جنگ شیعه و سنی نشان داده شد. به‌طور کلی می‌توان گفت که حمایت ترکیه از گروه‌های سلفی در سوریه، فرقه‌گرایی را تشدید و منجر به افزایش اختلافات شیعه و سنی در منطقه شده است و با

توجه به سنی بودن بخشی از جمعیت ایران، این موضوع تهدیدی علیه امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران محسوب شود.

۵. افزایش تهدیدات مرزی

به دلیل پیشرفت‌های قابل‌ملاحظه‌ای که داعش در عراق در ژوئن ۲۰۱۴ داشت، در میان افکار عمومی منطقه این برداشت ذهنی شکل گرفت که این گروه به‌زودی وارد سایر کشورهای منطقه خواهد شد (Esfandiary & Tabatai, 2015:6). جهت حرکت گروه تروریستی داعش که سرزمین‌هایی از سوریه تا عراق را به تصرف درآورده بود پس از اشغال موصل در خرداد سال ۱۳۹۳ به سمت ایران بود و بدون تردید اگر با این گروه تروریستی در خارج از مرزهای ایران مقابله نمی‌شد تعارضات به مرز ایران و ایجاد تهدیدات نظامی تشدید می‌شد.

۶. تضعیف محور مقاومت در منطقه

بعد از حملات آمریکا به افغانستان و عراق و در نتیجه نزدیکی بیشتر کشورهای همسوی با سیاست‌های ایران در منطقه محور مقاومت به الگویی غالب در سیاست‌های خارجی ایران بدل گشت. این محور در سال‌های اخیر با سیاست‌های ایران در منطقه به‌ویژه پس از حمایت ایران از جنگ‌های ۲۲ و ۳۳ روزه و عدم نتیجه‌گیری رژیم صهیونیستی از این حملات پررنگ‌تر شد و در نتیجه به محبوبیت ایران در میان افکار عمومی سوریه و لبنان افزود. کارشناسان از این مسئله به‌عنوان «تلنگر» به آمریکا یاد کرده‌اند (ابوالحسن شیرازی و پارسه، ۱۳۹۳:۹۲). در واقع الگوی مقاومت در سال‌های اخیر به یکی از بنیادهای سیاست‌های خارجی ایران در عرصه عملیاتی تبدیل شده که تضعیف آن می‌تواند تهدیدی برای امنیت نظامی ایران باشد. از سوی دیگر می‌توان شاهد نزدیکی دیدگاه ترکیه و عربستان با رژیم صهیونیستی در تضعیف محور مقاومت بعد از بحران سوریه بود. این بازیگران معتقدند که رهبران سوریه که در خط مقدم نبرد با رژیم صهیونیستی قرار دارند، زمینه تداوم مقاومت در محیط منطقه‌ای را فراهم می‌آورند. از این‌روست که این بازیگران بر این امر واقف‌اند که اگر بشار اسد در قدرت باقی بماند، از انگیزه‌ی فراوانی برای مقابله با توسعه‌طلبی تل-آویو در محیط امنیتی غرب آسیا برخوردار خواهد بود. از سوی دیگر مقامات رژیم صهیونیستی نیز معتقدند که بازسازی قدرت سیاسی اسد، مواضع وی در ارتباط با رویارویی تاریخی با تل‌آویو را تحکیم خواهد بخشید؛ بنابراین از سازوکارهایی بهره گرفتند که موقعیت بشار اسد در شرایط منازعه را محدودتر کرده و مانع تحقق اهداف راهبردی اسد در گسترش جبهه مقاومت در منطقه غرب آسیا شوند (متقی و همکاران، ۱۳۹۳:۵۹). در مجموع از آنجاکه سیاست ترکیه در قبال

گروه‌های تارشگری در سوریه زمینه تضعیف دولت سوریه را فراهم نموده و این دولت نقش مهمی در محور مقاومت دارد، بنابراین تضعیف دولت سوریه به منزله تضعیف محور مقاومت و بروز تهدیدات از جمله تهدیدات نظامی علیه ایران است.

۷. شکل‌گیری الگوی منازعه به‌جای همکاری در منطقه

یکی دیگر از تأثیرات تداوم بحران سوریه در سطح منطقه‌ای که متأثر از سیاست ترکیه در قبال گروه‌های تارشگری در سوریه است، افزایش منازعات میان بازیگرانی است که در سال‌های نه‌چندان دور تنش‌زدایی را به‌عنوان الگوی مسلط سیاست‌های خارجی خود با همسایگان برگزیده بودند. در این میان روابط ایران و عربستان در سال‌های اخیر در سطح منطقه‌ای و به‌ویژه در سوریه به‌واسطه خصومت همراه با رقابت برای کسب منافع سیاسی و ژئوپلیتیکی با هدف دستیابی به هژمونی منطقه‌ای تش‌زا شده است. در واقع به دلیل تصور ریاض از تلاش ایران برای تثبیت نفوذ منطقه‌ای خود، تغییر جهت در سیاست‌های خارجی این کشور و تلاش برای افزایش هم‌پیمانان عربی جدید به‌عنوان عامل توازن بالقوه در برابر تهدیدات فزاینده ایران امری مشهود به نظر می‌رسد (Berti&Guzansky, 2014:25).

ترکیه نیز به‌عنوان یکی دیگر از قدرت‌های منطقه‌ای دارای منافع حیاتی در بحران سوریه است. به‌طور کلی سیاست ترکیه در قبال گروه‌های تارشگری در سوریه موجب شکل‌گیری الگوی منازعه در منطقه غرب آسیا شده است و این الگو با نظامی و امنیتی ساختن فضای روابط بین کشورهای منطقه تهدیداتی را متوجه جمهوری اسلامی ایران می‌کند و با توجه به ماهیت رفتار بازیگران و منازعه آمیز بودن الگوی حاکم، امنیت نظامی ایران پل تهدید مواجه شده است.

۸. افزایش حضور قدرت‌های فرا منطقه‌ای در منطقه غرب آسیا

در مجموع ناامنی در منطقه به‌واسطه رشد تارشگری که برآیند حمایت و پشتیبانی مالی، تجهیزاتی و آموزشی ترکیه و سایر بازیگران در منطقه است، زمینه‌ساز پیچیدگی بحران و ورود هرچه بیش‌تر کشورهای فرا منطقه‌ای به منطقه شده است؛ مسئله‌ای که در بلندمدت توان به خطر انداختن امنیت ارضی و منافع ملی تمام کشورهای منطقه را به دنبال خواهد داشت. سیاست‌های خارجی ترکیه در قبال بحران سوریه و حمایت و پشتیبانی از گروه‌های تارشگری موجب تعدد و تکثر بازیگران صحنه سوریه شده است به‌موازات افزایش تعداد بازیگران و نقش‌های متفاوتی که این بازیگران در سوریه ایفا نموده‌اند، مسئله سوریه پیچیده‌تر شده و از رسیدن به راه‌حل دور شده است؛ در این میان سیاست ترکیه در قبال گروه‌های تارشگری که هم‌راستا با سیاست برخی دیگر از بازیگران فرا

منطقه‌ای نبوده، سبب شده تا آن بازیگران برای پیگیری اهداف خود در منطقه حضور پیدا نمایند یا حضور خود را تقویت کنند.

ورود ترکیه به شمال سوریه و حمایت از گروه‌های ضد دولت سوریه و اقدام علیه کردها در آن منطقه، اوضاع سوریه را پیچیده‌تر نموده و زمینه حضور آمریکا در منطقه شرق فرات را فراهم آورده است. نیروهای آمریکایی که در این منطقه مستقر شده‌اند و با حمایت از اکراد مانعی برای پیشبرد سیاست ترکیه هستند، به‌عنوان یک عامل تهدیدکننده منطقه و ازجمله امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران نیز محسوب می‌شوند؛ بنابراین سیاست ترکیه در سوریه و حمایت از گروه‌های تارشگری در این کشور زمینه حضور قدرت‌های فرا منطقه‌ای مانند آمریکا را فراهم نموده که این موضوع امنیت نظامی ایران را با تهدید مواجه ساخته است.

جمع‌بندی

تجزیه و تحلیل اسناد و مدارک

بنابر اسناد و مدارک گردآوری‌شده با روی کار آمدن اردوغان و حزیش ترکیه با پیگیری سیاست‌های خارجی عمق راهبردی که به نوع‌ثمانی‌گرایی معروف شد سعی در ورود به مسائل منطقه غرب آسیا داشت و قصد داشت خود را به‌عنوان بازیگری مطرح در کنار ایران و عربستان نشان دهد. ترکیه با این سیاست که از اصول عمده سیاست صفر کردن تنش با همسایگان است توانست روابطش را با سوریه که بر سر سه موضوع کردها، اختلاف ارضی بر سر هاتای یا اسکندرون و نیز حق آبه از فرات بود را کنار گذاشت و به تدریج روابطش با سوریه قبل از ۲۰۱۱ را تا حد روابط راهبردی پیش برد به‌طوری‌که بیشترین دیدارها از سوی اردوغان از دمشق صورت گرفت.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد ترکیه در جریان بیداری اسلامی سعی در نشان دادن تصویری مردم‌سالار با یک نظام حکومتی و اقتصادی مناسب برای جهان اسلام از خود بود به همین دلیل با آغاز ناآرامی‌های سوریه واکنش اولیه‌ی ترکیه سکوت بود این سکوت ترکیه تا اوت ۲۰۱۱ ادامه داشته است. با توجه به اتخاذ سیاست سکوت از جانب ترکیه در بحران سوریه و عدم موضع‌گیری در قبال تحولات این کشور، می‌توان سیاست ترکیه در قبال بحران سوریه در ابتدای این بحران را سیاست بی‌طرفی دانست. سفر مقامات دو کشور ترکیه و سوریه و عدم دخالت ترکیه در امور سوریه تأیید کننده این موضوع است که سیاست ترکیه در قبال گروه‌های تارشگری در سوریه در

ابتدای بحران سوریه در قالب سیاست بی‌طرفی بوده و شامل تمرکز بر نوع‌ثمنی‌گرایی، صفر کردن تنش‌ها با همسایگان توسعه و روابط اقتصادی بوده است.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد ترکیه کشوری است که سیاست‌های خارجی‌اش به شدت متأثر از موقعیت جغرافیایی، تاریخی و ژئوپلیتیک این کشور است. این موقعیت‌ها موجب دخالت ترکیه در تحولات پیرامونی شده است. در بحران سوریه نیز، ترکیه پس از اتخاذ یک دوره سیاست بی‌طرفی ورود پیدا نموده و سیاست میانجی‌گری را اتخاذ نموده است. این سیاست با دیپلماسی چندجانبه در برگزاری اجلاس‌های مختلف در ترکیه با حضور گروه‌های مخالف دولت سوریه شکل گرفته است. در این راستا ایفای نقش فعال‌تر در بحران سوریه، افزایش همکاری با کشورهای منطقه برای نقش‌آفرینی در سوریه در قالب سیاست میانجی‌گری ترکیه در بحران سوریه بروز و ظهور پیدا نموده است.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد سیاست میانجی‌گری ترکیه در بحران سوریه به صورت دیپلماسی چندجانبه، ارائه الگوی نظام حکومتی مطلوب جهان اسلام و کاربرد قدرت نرم بوده است، با ادامه بحران سوریه، سیاست ترکیه در قبال این بحران به سوی حمایت و پشتیبانی از گروه‌های تارشگری تغییر نموده است. ترکیه به صورت آشکار و پنهان از گروه‌های تارشگری در سوریه حمایت کرده است. ترکیه چندین اجلاس گروه‌های مختلف مخالف دولت قانونی بشار اسد را تحت عنوان دوستان سوریه برگزار نموده و تلاش کرده اقدامات این گروه‌ها علیه سوریه را هماهنگ نماید.

ترکیه از ارتش آزاد و گروه‌های تکفیری در سوریه حمایت و پشتیبانی نموده است که هر دو به صورت مسلحانه در سوریه دست به اعمال تارشگری زده‌اند. ترکیه تا مدت‌ها پس از آغاز بحران سوریه گروه‌هایی مانند داعش را گروه‌های تارشگری نمی‌دانست و از لفظ تارشگری برای آن‌ها استفاده نمی‌کرد.

سیاست حمایت و پشتیبانی ترکیه از گروه‌های تارشگری در سوریه شامل اقدامات گوناگونی شده که برخی از این اقدامات عبارت‌اند از: روش نفت خام از طریق شهرهای باتمان و غازی عنتب واقع در منطقه جنوب شرقی ترکیه، فروش آثار باستانی سوریه از طریق خاک ترکیه، فروش اعضای بدن کشته‌شدگان تارشگران، معاملات با تارشگران در قبال آزادی گروگان‌ها و اسیران،

فروش اطلاعات به دست‌آمده از سوریه و عراق به گروه‌های تارشگری، کمک مالی و لجستیکی به داعش.

تجزیه و تحلیل پرسشنامه

در ادامه به بررسی پاسخ‌های داده‌شده از سوی جامعه نمونه و تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از آن پرداخته می‌شود.

تجزیه و تحلیل نتایج آمار استنباطی متغیر مستقل

جدول مربوط به محاسبه آزمون خی دو (کای مربع) پاسخ‌های مطرح‌شده در سؤالات متغیر مستقل

رتبه	fo_{ij}	fe_{ij}	$fo_{ij} - fe_{ij}$	$(fo_{ij} - fe_{ij})^2$	$\frac{(fo_{ij} - fe_{ij})^2}{fe_{ij}}$
خیلی زیاد	۱۶	۱۱	۵	۲۵	۲.۲۷
زیاد	۱۴	۱۱	۳	۹	۱.۲۷
متوسط	۱۱	۱۱	۰	۰	۰
کم	۸	۱۱	-۳	۹	۰.۸۱
خیلی کم	۶	۱۱	-۵	۲۵	۲.۲۷
جمع	۵۵	۵۵	-	۶۸	۶.۶۲

فراوانی مورد انتظار

مجموع فراوانی‌ها با علامت fo_{ij} که مساوی است با ۵۵ تقسیم بر تعداد که پنج مورد می‌باشد پس نتیجه مساوی است با ۱۱

$$\sum fo_{ij} / n = ۱۶ + ۱۴ + ۱۱ + ۸ + ۶ / ۵ = ۱۱$$

آماره آزمون که با علامت X^2 نیز مساوی است با فراوانی منهای فراوانی مورد انتظار تقسیم بر خود فراوانی مورد انتظار که نتیجه می‌شود ۶.۶۲

$$X^2 = (fo_{ij} - fe_{ij})^2 / fe_{ij} = 6.62$$

$$df = (k-1)(k-1) = (5-1)(2-1) = (4)(1) = 4$$

$$a = 0/05$$

$$x^2_{adf} = (6.62.) (0/05) (4) = 1.32$$

$$x^2_{adf} \geq x^2 = 1.32 \geq 6.62$$

بنابراین X_2 محاسبه شده ۶.۶۲ و مقدار بحرانی ۱.۳۲ می‌باشد و باید کم‌تر و یا مساوی مقدار X_2 محاسبه شده باشد. چون X_2 نشان‌دهنده آن است که بین سؤالات متغیر مستقل و تابع بستگی وجود دارد، برای محاسبه شدت آن (ضریب توافقی) از فرمول زیر استفاده می‌شود:

مجذور X_2 تقسیم‌بر حاصل فراوانی (جامعه نمونه) $+ X_2$.

$$C = \frac{\sqrt{x_2}}{n+x_2} = \sqrt{\frac{6.62}{55+6.62}} = \sqrt{\frac{6.62}{61.62}} = \sqrt{0.107} = .1 \times 100 = \% 10.7$$

که نشان‌دهنده آن است که شدت ضریب بستگی (ضریب توافقی) بین سیاست‌های خارجی ترکیه از بی‌طرفی تا میانجیگری و حمایت از گروه‌های تارشگری در سوریه و تهدیدات آن علیه امنیت نظامی ایران میزان ۱۰.۷٪ بوده است؛ یعنی متغیر مستقل و تابع از یکدیگر مستقل نبوده و بر یکدیگر تأثیرگذار هستند.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد:

الف) نتیجه‌گیری

تجزیه و تحلیل اطلاعات گردآوری شده با استفاده از ابزارهای اسناد و مدارک و پرسشنامه نشان می‌دهد سیاست ترکیه در قبال بحران سوریه در ابتدای این بحران سیاست بی‌طرفی بوده است. در این راستا سفر مقامات دو کشور ترکیه و سوریه و عدم دخالت ترکیه در امور سوریه نشان‌دهنده سیاست بی‌طرفی ترکیه است. تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد سیاست بی‌طرفی ترکیه در قبال بحران در سوریه شامل تمرکز بر نوع‌ثمانی‌گرایی، صفر کردن تنش‌ها با همسایگان و توسعه روابط اقتصادی بوده است.

از سوی دیگر تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده نشان می‌دهد مقامات ترکیه به دنبال ایفای نقش ترکیه متناسب با تاریخ و فرهنگ و جغرافیای این کشور در عرصه‌ی منطقه‌ای هستند و این هدف را با افزایش سرمایه‌گذاری ترکیه در حوزه قدرت نرم، افزایش همکاری با کشورهای منطقه در قالب سیاست میانجی‌گری ترکیه در بحران سوریه دنبال نموده‌اند.

مضافاً این‌که داده‌های گردآوری شده نشان‌دهنده سیاست حمایت و پشتیبانی ترکیه از گروه‌های تارشگری در سوریه است که این سیاست با خرید نفت خام از گروه‌های تارشگری، فروش آثار باستانی سوریه از طریق خاک ترکیه، فروش اعضای بدن کشته‌شدگان تارشگران، معاملات با تارشگران در قبال آزادی گروگان‌ها و اسیران و کمک مالی و لجستیکی به گروه‌های تارشگری دنبال شده است.

در پایان تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد سیاست ترکیه در قبال گروه‌های تارشگری در سوریه بر امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار بوده و تهدیداتی را علیه امنیت نظامی ایران به وجود آورده است که این تهدیدات عبارت است از:

۱. تغییر موازنه‌ی قوای منطقه‌ای به زیان ایران؛
۲. ظهور و تقویت گروه‌های تارشگری ضد ایران در منطقه غرب آسیا؛
۳. افزایش تهدیدات قومیتی در ایران؛
۴. افزایش فرقه‌گرایی در منطقه غرب آسیا؛
۵. افزایش تهدیدات مرزی؛
۶. تضعیف محور مقاومت در منطقه؛
۷. شکل‌گیری الگوی منازعه به‌جای همکاری در منطقه؛
۸. افزایش حضور قدرت‌های فرا منطقه‌ای در منطقه غرب آسیا؛

(ب) پیشنهادهای عملی

۱. با توجه به نتایج این مقاله که نشان می‌دهد سیاست‌های خارجی ترکیه طیف وسیعی از تهدیدات را علیه امنیت نظامی ایران به وجود آورده، ضرورت دارد جمهوری اسلامی ایران با استفاده از نقش سایر قدرت‌های حاضر در سوریه مانند روسیه و ایجاد سازوکارهای چندجانبه، مانع اجرای سیاست‌های ترکیه در قبال گروه‌های تارشگری در سوریه شود.
۲. نتایج این مقاله نشان می‌دهد سیاست‌های خارجی ترکیه در حمایت از گروه‌های تارشگری در سوریه تهدیدات گوناگونی علیه امنیت نظامی ایران ایجاد نموده، بنابراین یکی از راهکارهای ایران در مقابل این تهدیدات می‌تواند ایجاد موازنه تهدید با استفاده از بازیگران همسو با ایران و یا دشمنان دولت ترکیه در سوریه باشد. ضروری است جمهوری اسلامی ایران با استفاده از قدرت کردها، حزب ا... و گروه‌های مبارز مانند فاطمیون، زینبیون و حیدریون حاضر در سوریه در برابر تهدیدات ترکیه موازنه تهدید ایجاد نماید.
۳. جمهوری اسلامی ایران برای جلوگیری از تهدیدات سیاست‌های خارجی ترکیه در حمایت از گروه‌های تارشگری در سوریه علیه امنیت نظامی خود می‌بایست نقش‌آفرینی خود در سوریه را از طریق تعامل با ترکیه ارتقا بخشد.

۴. نهادهای بین‌المللی ظرفیت زیادی در جلوگیری از ترکیه در اعمال سیاست حمایت از گروه‌های تارشرگی دارد؛ بنابراین لازم است جمهوری اسلامی ایران از این ظرفیت حداکثر بهره‌برداری را به عمل آورد.

۵. نتایج این مقاله در اختیار وزارت امور خارجه و نهادهای نقش‌آفرین در سوریه قرار گیرد.

(پ) پیشنهادهای علمی (پژوهشی)

با توجه به نتایج این تحقیق پیشنهادهای پژوهشی و کاربردی به شرح زیر ارائه می‌شود:

۱. با توجه به شتاب فراوان در تحولات سوریه و تداوم بازیگری ترکیه در این کشور تهدیدات سیاست‌های خارجی ترکیه علیه سایر مؤلفه‌های امنیت ملی ایران مانند مؤلفه اقتصادی در پژوهش‌های مستقل مورد مطالعه قرار گیرد.

۲. با عنایت به اهمیت سوریه برای جمهوری اسلامی ایران و تأثیرپذیری ایران از تحولات این کشور، تهدیدات سیاست‌های خارجی سایر کشورها مانند آمریکا و عربستان در قبال گروه‌های تارشرگی در سوریه علیه امنیت نظامی ایران مورد پژوهش قرار گیرد.

۳. بخشی از نتایج این مقاله نشان می‌دهد تهدیدات سیاست‌های خارجی ترکیه در قبال گروه‌های تارشرگی در سوریه، علاوه بر امنیت نظامی ایران، متوجه امنیت سایر کشورهای منطقه شده است. با توجه به اهمیت تحولات عراق و وجوه مشترک بین تحولات سوریه و عراق، پژوهشی مستقل درباره تهدیدات سیاست‌های خارجی ترکیه در عراق بر امنیت نظامی ایران انجام پذیرد.

(ت) محدودیت‌های پژوهش

انجام این پژوهش با توجه به ماهیت و جدید بودن با محدودیت‌های زیر مواجه بوده است:

- عدم دستیابی به اسناد و مدارک کافی.
- عدم دستیابی به اسناد و مدارک طبقه‌بندی شده.
- عدم دستیابی به تمامی صاحب‌نظران و متخصصان حوزه این پژوهش.
- عدم همکاری تعدادی از صاحب‌نظران در تکمیل پرسشنامه این تحقیق

فهرست منابع:

الف - منابع فارسی

- احمدیان، حسن (۱۳۹۰)، خیزش‌های عربی و دگرگونی در سیاست خاورمیانه‌ای ترکیه، قابل دسترس در: <http://strategic review.org 1390/7/17>
- اسمعیلی، مرتضی (۱۳۹۰)، سیاست‌های خارجی جدید ترکیه، ریشه‌های داخلی قابل دسترس در: <http://kochapress.com/archive/index.php>
- اطهری، اسدالله (۱۳۸۹)، اصول جدید سیاست‌های خارجی ترکیه قابل دسترس در: <http://arsh.mahblog.com/content 1389/9/18>
- امیدی، علی و فاطمه رضایی (۱۳۹۰)، عثمانی‌گرایی جدید در سیاست‌های خارجی ترکیه و شاخص‌ها پیامدهای آن در خاورمیانه، فصلنامه‌ی روابط خارجی، سال سوم، شماره سوم، پائیز.
- انصاری، جواد (۱۳۷۴)، ترکیه در جست‌وجوی نقشی تازه در منطقه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران.
- بخشایش اردستانی، احمد (۱۳۷۵)، سیاست‌های خارجی جمهوری اسلامی ایران، نشر آوای نور، تهران.
- چگینی‌زاده، غلامعلی و بهرام خوش‌اندام (۱۳۸۸)، تعامل و تقابل پیرامون گرایی و غرب‌گرایی در سیاست‌های خارجی ترکیه، راهبرد، شماره ۵۵، تابستان.
- حافظیان، محمدحسین (۱۳۹۰)، مواضع ترکیه در قبال تحولات منطقه، سازگاری و تناقض‌ها، همشهری دیپلماتیک، شماره ۵۰، آبان.
- حسن، حامد (۱۳۹۰)، مصاحبه با همشهری دیپلماتیک، شماره ۵۰ آبان (سفیر سوریه در تهران)
- حمیدی نیا حسین، (۱۳۸۱)، کتاب سبز ایالات‌متحده آمریکا، انتشارات وزارت امور خارجه.
- خلیج منفرد، شیرازی، ابوالحسن (۱۳۹۰)، انقلاب‌های منطقه و نقش ترکیه، تلاش برای الگو شدن، همشهری دیپلماتیک، شماره ۵۰، آبان
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۹)، چهارچوبی مفهومی برای ارزیابی سیاست‌های خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- سیمبر، رضا و روح‌الله قاسمیان (۱۳۹۳)، مؤلفه‌های اساسی محیط امنیتی ایران و سوریه، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال سوم، شماره ۹، تابستان.
- شیرازی، حبیب پارسه، رضا (۱۳۹۳)، ائتلاف سه‌گانه ایران، سوریه و حزب ... و تأثیر آن بر منافع آمریکا در خاورمیانه، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست جهانی، دوره سوم، شماره اول
- صفوی سید حمزه (۱۳۸۷)، کالبدشکافی سیاست‌های خارجی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- کاظمی، علی‌اصغر (۱۳۷۲)، روابط بین‌الملل در تئوری و عمل، نشر قومس، تهران.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۴)، سیاست‌های خارجی جمهوری اسلامی ایران اصول و مسائل، نشر دادگستر، تهران.

- متقی، ابراهیم و سعیدی، ابراهیم (۱۳۹۴)، بررسی سیاست‌های خارجی ایران در قبال بحران سوریه، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، سال ششم، شماره ۴.
- مقتدر هوشنگ (۱۳۷۰)، سیاست‌های خارجی جمهوری اسلامی ایران، نشر مفرس، تهران.
- نیاکوئی، سیدامیر، علی اسمعیلی و علی اصغر ستوده (۱۳۹۲)، تبیین راهبرد امنیتی ایران در قبال بحران سوریه (۲۰۱۳-۲۰۱۱)، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال سوم، شماره اول، بهار.
- واکر، یوشا (۱۳۹۰)، تعامل جدید ترکیه با جهان عرب، ترجمه‌ی عسگر قهرمان‌پور، همشهری دیپلماتیک، شماره ۵۰۸، آبان.
- وفایی، داوود (۱۳۹۰)، بحران سوریه با تأکید بر رویکرد نظام غرب و راهبرد ترکیه در این کشور، دوفصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، سال دوم، شماره سوم، چالش‌های سیاست‌های خارجی ترکیه، دوری از مدار صفر درجه، همشهری دیپلماتیک، شماره ۵۰، آبان.
- ونت، الکساندر (۱۳۸۴)، نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل، ترجمه: حمیرا مشیرزاده، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
- یزدان‌پناه درو، کیومرث و نامداری محمد مهدی (۱۳۹۲)، بحران سوریه با تأکید بر رویکرد نظام غرب و راهبرد ترکیه در این کشور، دوفصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، سال دوم، شماره سوم.

ب - منابع انگلیسی

- Barkey, Henry (2011) Turkey and the Arab Spring <http://www.carnegieendowment.org/2011/04/28-turkey-and-arab-spring/223>
- Champion, Marc (2011), Turkey Takes a Harder Line a Broad.
- Duman, Ismail (2011), Future of Syria and Turkey's Difficult Test With, World Bulletin.
- Esfandiary, Dina & Ariane Tabatabai (2015), Iran's ISIS Policy, The Royal Institute of International Affairs 91:1.
- Gause, Gregory F. (2014), Beyond Sectarianism: The New Middle East Cold War, Foreign Policy at Brookings Doha Center Analysis Paper, November.
- Geranmayeh, Ellie (2014), Iran's Strategy Against the Islamic State, in Julien Barnes-
- Guzzini, Stefano, (2000), A Reconstruction of Constructivism in International Relations, European Journal of International Relations, vol. 6.
- Goodarzi, Jubin (2013), Iran: Syria as the First Line of Defence in Julien Barnes-Dacey, & Daniel Levy (eds). The Regional Struggle For Syria, European Council on.
- Husain, Ed (2011), Turkish Lesson for US Foreign Policy, Council Foreign Relation <http://www.cfr.org/Husain/2011/09/30/Turkish-lesson-for-us-foreign-policy>
- Kaufman, Stuart J, Richard Little and William C. Wohlforth (2007), The Balance of Power in World History, Palgrave Macmillan.

- Lister, Charles (2014), Profiling the Islamic State, Brookings Doha Center Analysis Paper, Number 13.
- smith, steve, (2001), "Foreign Policy is what states Make of it", in Foreign Policy in constructed world.
- spanner.johan(2011),turkey,"november14"topic nytimes.com /top news /international /countries and territories/index.html
- Stuart,hanah(2011),turkey and arab spring"by henry jasckson society, strategic briefing.
- Mahfudh, Aqeel (2012), Syria and Turkey: a turning point or a historical bet?, Arab Center for Research and Policy Studies. Turkish weekly,2011/07/23.
- Turkey's Middle. East Policies. Between. Neo-Ottomanism and Kemalism. Ömer Taspınar. Carnegie Middle East Center. Number 10. September 2008 ... <https://carnegieendowment.org/files/cmec10taspinar>.